

بهای سنگین اظهار ضعف در برابر غرب

روزنامه جام‌جم در شماره دیروز خود با بیان اینکه تاریخ نشان می دهد هر کشوری که در برابر غرب ضعیف ظاهر

شده، بهای سنگینی پرداخته و هر کشوری که به غرب تکیه کرده نیز تالان آن را داده است، نوشت: اگر ما از این تاریخ چندصدساله استعمار درس‌نگیریم، طبیعی است هر بلایی که بر سرمان می آید، حق‌مان خواهد بود. در همین راستا باید بر این موضوع تأکید کرد که اولاً بر دو موشک‌ها و سلاح‌های ایران موضوعی نیست که دیگران بخواهند در آن دخالت کنند، ضمن اینکه به‌مراتب کمتر از بر د تسلیحات امریکایی است و اگر قرار باشد بر دو موشک‌های ایرانی کاهش یابد، باید برد سلاح‌های امریکا، رژیم‌صهیونیستی و دولت‌های اروپایی نیز محدود شود، درغیر این صورت مایهٔ دفاع می‌مانیم، در حالی که آنان همچنان قادرند هر نقطه‌ای از کشور را هدف قرار دهند. مشکل اصلی در این منطبق نفته‌ه است که برخی شخصیت‌ها آن را پذیرفته‌اند، یعنی نگاه غرب‌محور دارند و معتقدند غرب بر تر و دارای حقوق ویژه است و باید زندگی را براساس معیارهای آنها سامان داد. اگر کسی چنین اعتقادی دارد، بهتر است در همان جوامع زندگی کند، زیرا در یک کشور مستقل نمی‌تواند با این وابستگی فکری زندگی آزاد و عزتمندانه‌ای را حفظ کند. این خودفریبی است. این‌گونه زندگی کردن به معنای آن است که همواره شمشیر غرب بالای سر شماست؛ شمشیری که باید از آن در خوف و هراس باشید و نه می‌توانید از مواضع و منافع ملی خود دفاع کنید و نه از منافع دیگر مظلومان. در چنین شرایطی، نمی‌توان در آرامش و آسایش بود.

عبور از نگاه صفر و صدی در حکمرانی فضای مجازی

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت:

یکس از آفت‌های سیاست‌گذاری در کشور، نگاه صفر و صدی به پدیده‌های فناوریانه است؛ اینکه با باید در یک پلتفرم را کاملاً بست یا بی‌قید و شرط آن را گشود. چنین رویکردی نوعی ساده‌سازی و تقلیل مسئله‌ای عمیق و چندوجهی است. در موضوع تلگرام نیز این دوگانه، سال‌هاست ذهن سیاست‌گذاران و افکار عمومی را درگیر کرده، حال آنکه مسئله اصلی نه «فیلتر یا رفع فیلتر» بلکه چگونگی حکمرانی مؤثر و مسئولانه بر بسترهای دیجیتال است. اگر بنا بر رفع فیلتر پلتفرمی مانند تلگرام باشد، نخستین شرط آن باید اخذ تعهد حقوقی از پلتفرم در قبال محتوا و آثار اجتماعی قابل‌بش باشد. همانگونه که در ماجرای تیک‌تاک در امریکا، مسئولان این کشور مدیرعامل پلتفرم را نسبت به تبعات اجتماعی محتوا پاسخگو دانستند، ما نیز باید پلتفرم‌ها را به مسئولیت‌پذیری حقوقی و اجتماعی وادار کنیم. بخش عمده آسیب‌های فضای مجازی در ایران، نه در لایه سیاسی و امنیتی بلکه در لایه‌های اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد؛ از کلاهبرداری‌های مالی گرفته تا ترویج رفتارهای پرخطر، بنابراین شرط رفع فیلتر باید پذیرش مسئولیت این تبعات از سوی پلتفرم باشد. البته مخفی نماند که نگاه کوتامدت مسئولان نیز در این میان قابل مهمی دارد. دولت‌ها و مجالس معمولاً مصلحت‌سنجی‌های چهارساله و ملاحظات سیاسی، تصمیم‌هایی می‌گیرند که با اولویت‌های ملی و منافع بلندمدت سازگار نیست. همین نگاه مقطعی، موجب گسست میان انتخاب عمومی و اولویت ملی شده است. درنهایت باید گفت که حکمرانی هوشمند در فضای مجازی، با فیلتر و رفع فیلتر تعریف نمی‌شود، راه درست، ایجاد اکوسیستمی پایدار، مسئول‌سازی پلتفرم‌ها و تقویت نهادهای سیاست‌گذار است تا کشور بتواند از حالت انفعال خارج شود و از تهدیدهای فناوریانه، فرصت بسازد.

نه ستیز مطلق با غرب و نه تسلیم

عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر تاریخ معاصر در یادداشتی برای روزنامه ایران پیرامون همایش ما و غرب در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نوشت: نگاه معطله به غرب و از دو زاویه کاملاً متفاوت قابل تحلیل است: نخست، وجه تمدنی و مدنی غرب است، یعنی جایی که تاریخ اروپا شاهد مبارزات آزادی‌خواهانه و جنبش‌های عدالت‌طلبانه‌ای چون انقلاب فرانسه یا نهضت‌های استقلال‌طلب اسکاتلند و ایرلند بوده است. به همین سیاق آیت‌الله خامنه‌ای نیز با نگاهی واقع‌بینانه و مبتنی بر تجارب تاریخی و بشری و شواهد علمی، این دستاوردهای تاریخ اروپا را به عنوان بخشی از میراث بشری مورد توجه قرار می‌دهند و معتقد هستند بهره‌گیری هوشمندانه از دستاوردهای علمی و تمدنی غرب، به معنای پذیرش سلطه فرهنگی یا سیاسی آن نیست. اما وجه دیگر نگاه به غرب در اندیشه و آرای رهبر معظم انقلاب، مربوط به چهره سیاسی غرب و سلطه‌جویی غرب نسبت به دیگر ملت‌ها و کشورهای جهان است. این، چهره‌ای است که پشت نقاب تمدن و حقوق بشر، حقیقت تلخ استعمار، جنگ‌افروزی و تحقیر ملت‌ها را پنهان کرده است. در یک نگاه تاریخی، کارنامه قدرت‌های غربی در آسیا، آفریقا و حتی خاورمیانه مملو از شواهدی است که تجاوز به حقوق دیگران و بهره‌کشی از ملت‌ها را به روشنی نشان می‌دهد. اما در کنار همه این تجربه‌ها و سوابق، تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است که می‌توان بدون وابستگی، از دستاوردهای علمی جهان بهره برد و مسیر رشد و خوداتکایی را پیمود. بررسی اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب به ریاب غرب نشان می‌دهد هدف و کانون اندیشه‌های ایشان، نه ستیز مطلق با غرب است و نه تسلیم بی‌قید نسبت به غرب، بلکه شناخت واقع‌بینانه غرب و در عین حال، اعمال ضروری یک تمایز راهبردی میان تمدن انسانی آن با سیاست‌های سلطه‌جویانه‌اش است.

این کره چگونه باز می‌شود؟

روزنامه کیهان در بخشی از یادداشت دیروز خود نوشت: بازگشت از مسیر نادرست، فقط الزام شرعی نیست، الزام عقلی هم است. یک معنای توبه، برگشتن از مسیر مهلکی است که بر مبنای فریب خصم، پذیرفته و پیموه شده است. بخشی از مسیری که طی یک دهه گذشته توسط طیفی از مدیران پیموه شد، دودمان دنیال سرباب و سوزاندن فرصت‌ها بود. البته همه مدیران، کارنامه یکسان نداشته‌اند. در همان دوره‌ای که برخی به وعده‌های دشمن دل بسته و درباره مسئولیت کوتاهی می کردند، مدیرانی هم بودند که کمر همت بستند، موفقیت‌های بزرگی مانند ازاله شرارت نیابتی داعش یا تولید توانمندی‌های دفاعی باظرباننده را رقم زدند. همچنین است موفقیت‌های دولت شهید رئیسی در زمینه واکسیناسیون و احیای رشد اقتصادی (درصد و راهداناری)؛ هزار کارخانه تعطیل و نیمه تعطیل در کمتر از سه سال. کلاف سردرگم کره‌ها را کجا باید گشود؟ گفتمان بارور را باید از گفتمان غمچیم باز شناخت. سربا هر چند به آب می‌ماند، اما آب نیست و سرباب نمی‌کند. سردبیر یک روزنامه غرب‌گرا اخیراً ادعا کرده بود: «مشکل اصلی دولت، دراز دست دادن گفتمان مرکز و تکرار رویکردهای گذشته است». از زمانی که آقایان ظرف و همتی با فشار از دولت کنار گذاشته شدند، دال بر کژی و گفتمان اولیه دولت از بین رفت». اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ مگر نه اینکه آقایان ظرف و همتی در دولت آقای روحانی بودند و شمار تحریم‌هایش از دو دست‌زدان گفتمان مرکز و تکرار رویکردهای گذشته است. از زمانی که آقایان ظرف و همتی با فشار از دولت کنار گذاشته شدند، دال بر کژی و گفتمان اولیه دولت از بین رفت». اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ مگر نه اینکه آقایان ظرف و همتی در دولت آقای روحانی بودند و شمار تحریم‌هایش از دو دست‌زدان گفتمان مرکز و تکرار رویکردهای گذشته است. می‌کنند، بی‌آنکه به سهم خود ادعان کنند، رئیس‌جمهور تأکید می‌کند که باید به بخش خصوصی میدان داد. همه سر تکان می‌دهند، یادداشت برمی‌دارند، وعده همکاری می‌دهند، اما وقتی جلسه تمام و درها بسته می‌شود، هیچ چیز تغییر نمی‌کند. این دقیقاً مسئله امروز دولت است. نتیجه، گرفتار شدن در چرخه‌ای از جلسات و موازی‌کاری‌هاست که نه تصمیم می‌سازد و نه اصلاح می‌آورد.



۲ گفت وگو
فائزه سادات یوسفی

گفت‌وگوی «جوان» با حسام‌الدین برومند، کارشناس مسائل بین الملل درباره اذعان رئیس‌جمهور امریکا به پذیرش مسئولیت حمله به ایران

ترامپ را با این اعتراف نباید رهایش کرد



ترامپ پنج‌شنبه گذشته در جمع خبرنگاران در کاخ سفید گفت، امریکا «را حد‌زدی» در حمله اسرائیل به ایران در جنگ ۱۲ روزه نقش داشته و این نقش را اینگونه توصیف کرد: «اول اسرائیل حمله کرد، آن حمله خیلی خیلی قدرتمند بود. من خیلی زیاد مسئول آن بودم.» گرچه تهران از همان ابتدا، امریکا را طراح و صحنه‌گردان اصلی حمله به ایران عنوان کرده بود و طبق آن، بر پیگیری احقاق حق ایران و محکومیت امریکا به دلیل نقض حقوق بین‌الملل و حاکمیت در نهادهای مسئول بین‌المللی تأکید داشت، اما اظهارات آشکار رئیس‌جمهور امریکا، سمت و سوی جدیدی به آن خواهد داد. در همین راستا با آقای حسام‌الدین برومند، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگوی داش‌شیم تا اینبار جدید حقوقی را که پس از اقرار ترامپ بر روند پیگیری حقوق ایران ایجاد شده است، تشریح کنیم.

■ ■ ■

به نظر شما، اعتراف ترامپ به رهبری جبهه امریکایی – صهیونیستی در حملات جنایت‌بار به ایران، چه



روزنامه جوان | شماره ۷۴۴۹ | چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴ | ۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۷

سرویس سیاسی، ۸۵۲۳۰۰۶

گفت‌وگوی «جوان» با حسام‌الدین برومند، کارشناس مسائل بین الملل درباره اذعان رئیس‌جمهور امریکا به پذیرش مسئولیت حمله به ایران

است. نکته سوم این است که امریکا طبق قاعده «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، با این تجاوز آشکار باید مسئولیت این حمله نظامی را بپذیرد. بر اساس ماده ۳۱ کنوانسیون مسئولیت دولت‌ها (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل)، امریکا موظف است جبران کامل خسارت را برای هرگونه زیان مادی یا معنوی ناشی از عمل غیرقانونی خود ارائه دهد. در امتداد این مسئولیت بین‌المللی، مسئله «جبران خسارات» ناشی از نقض قوانین بین‌المللی مطرح است که این جبران خسارت می‌تواند از طریق پرداخت «غرامت مالی» باشد.

در این مر حله، ایران با توجه به آنکه مستندات بیشتر و معتبرتری برای ارائه به سازمان‌های حقوقی بین‌الملل دارد، چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟

اول اینکه ایران حق دارد در پی این‌اعتراف رئیس‌جمهور امریکا که در واقع یک سند بین‌المللی هم محسوب می‌شود، از مکانیسم‌های حقوقی بین‌المللی برای وصول غرامت استفاده کند. در همین راستا ایران باید به دبیر کل سازمان ملل و شورای امنیت شکایت و درخواست غرامت کند که این اقدام از سبوی نماینده دائم ایران در سازمان ملل صورت گرفته است. علاوه بر این امکان شکایت به شورای حقوق بشر سازمان ملل هم وجود دارد چراکه در جریان جنگ ۱۲ روزه، بسیاری از تأسیسات غیرنظامی از جمله مناطق مسکونی، مراکز رسانه‌ای، زندان‌ها و ساختمان‌های عمومی هدف قرار گرفتند که نقض آشکار کنوانسیون‌های بین‌المللی ژنو است و مهترتر اینکه هزار ۲۰۰ نفر از هموطنان عزیز ما به شهادت رسیدند و این موضوع، نقض صریح «حق حیات» به عنوان یکی از حقوق بنیادی بشر محسوب می‌شود و این مسئولیت کفیری بین‌المللی برای فرماندهان، عاملان و مقامات امریکایی ایجاد می‌کند، همچنین اینکه ایران نباید به شکایت در شورای امنیت بسنده کند چراکه طبیعی است امریکا از حق وتو استفاده خواهد کرد و مانع صدور قطعنامه می‌شود، بنابراین باید از همه ظرفیت‌های بین‌المللی در مجامع بین‌المللی برای این شکایت استفاده کنیم و بدین‌کم خود این موج شکایت، باعث تحریک خواهد کرد و اینها (حق دفاع مشروع» امریکا، رژیم‌صهیونیستی و جریان ظلم و تجاوز در صحنه بین‌المللی است.



حسام‌الدین برومند

تلیطبرگرمسلل بین‌الملل

هرگونه تجاوز را ممنوع اعلام کرده است. در واقع این بند، «توسل به زور» را علیه حاکمیت و تمامیت ارضی دیگر دولت‌ها ممنوع می‌داند که در ادبیات حقوقی از آن تحت عنوان «اصل ممنوعیت توسل به زور» یاد می‌شود. علاوه بر این، در «اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری» نیز عمل «تجاوز» به‌عنوان یک «جنایت بین‌المللی» معرفی شده است. نکته دوم اینکه اعتراف صریح ترامپ در هدایت و تدارک حمله رژیم صهیونی به جمهوری اسلامی ایران به این معناست که این کشور پذیرفته که هیچ توجیهی برای تجاوز نظامی نداشته است و در اینجا (حق دفاع مشروع» و جاهت حقوقی ندارد، ضمن اینکه برای این تجاوز، مجوزی هم از شورای امنیت نداشته

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل:

دوران سلطه امریکا بر جهان به پایان رسیده است

ایجاد کند تا علاوه بر کنترل چین، بر مسیر انرژی و تجارت منطقه نیز تسلط یابد. مشاور مقام معظم رهبری در جمع‌بندی این تحلیل اظهار داشت: ایالات متحده همچنان با همان سیاست دیرینه خود عمل می‌کند؛ سیاستی که بر مبنای طمع اقتصادی، مداخله‌جویی و سلطه‌طلبی شکل گرفته است، اما شرایط امروز جهان دیگر مانند گذشته نیست، بنابراین باید از قدرت‌های تک‌جانبه‌گرایانه دورمانده و قدرت‌های تک‌جانبه‌خواه‌ند.

وی تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مستقل، الهی‌پیش و تأثیرگذار با تکیه بر منطق عدالت‌خواهی، ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی و تقویت همکاری با کشورهای منطقه آسیایی و اسلامی، جایگاهی مهم در نظر افروزدن جمهوری اسلامی ایران همچنان است که با استقلال و عزت، مسیر عدالت و مقاومت را برگزیده‌اند، نه قدرت‌هایی که قرن‌ها بر پایه استعمار و جنگ، ثروت اندوخته‌اند. ولایتی افروزدن جمهوری اسلامی ایران همچنان به عنوان محور اصلی جبهه مقاومت، از کشورهای غربی، به‌ویژه امریکا و انگلیس، از منافع شخصی و انتخاباتی خود می‌بیند. ولایتی با اشاره به جنگ غزه گفت: تلاش ترامپ برای توقف جنگ در غزه، نه از سر دلسوزی برای فلسطینیان، بلکه با هدف جلوگیری از گسترش نارضایتی در میان کشورهای عربی است. او می‌خواهد با راضی نگه داشتن دولت‌های ثروتمند غرب، منافع اقتصادی و سیاسی امریکا را تضمین کند، اما این سیاست دیر را زود شکست خواهد خورد، زیرا ملت‌های منطقه بیدار شده‌اند و حق‌طلبی مردم فلسطین قابل معامله نیست.

■ امریکا دنبال تسلط بر مسیر انرژی و تجارت منطقه
ولایتی درباره تحرکات امریکا در جنوب آسیا نیز گفت: واشینگتن با افزایش فشار بر پاکستان و هند تلاش دارد حضور خود را در منطقه حفظ کند. سفرهای مکرر فرماندهان نظامی پاکستان به امریکا و گفت‌وگوهای آنان با مقامات امریکایی، بخشی از این راهبرد است. امریکا می‌کوشد در نزدیکی بندر گوادر و در مجاورت بندر چابهار ایران، پایگاه‌های جدیدی

خبر



جوان

خبرگزاری صدا و سیما

قوه قضائیه به اظهارات خلاف واقع رسایی واکنش نشان داد

تعارض و تنافی با حقیقت و مصداق مطالب خلاف واقع

قوه قضائیه ضمن رد کامل ادعای نماینده تهران، تأکید کرده است که برخورد با تخلفات درون‌سازمانی از سیاست‌های مؤکد رئیس قوه قضائیه بوده و هیچ مصوبه‌یستی برای متخلفان وجود ندارد. در اجرای ماده ۷۴ آیین‌نامه داخلی مجلس، پاسخ مرکز رسانه قوه قضائیه به اظهارات خلاف واقع حجت‌الاسلام رسایی که در تاریخ ۱۸ آبان ماه ایراد شده بود در صحن علنی قرائت شد.

در این توضیحات خطاب به نمایندگان مجلس آمده است: ضمن تقدیر و امتنان بابت مجاهدت‌های بی‌شائبه حضرات‌عالی، معروض می‌دارم که حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده محترم مردم شریف تهران، ری و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی، طی نقلی مورخ ۱۸ آبان ۱۴۰۴، مطلب خلاف واقعی را در خصوص قوه قضائیه ایراد کرد و تقریر داشت که «خبراً دادستانی که دو سال پیش بازداشت و از کار بر کنار شده بود در شهر دیگری حکم گرفته و مجدده به کار برگشته است».

مطلب فوق‌الاشعار به وضوح با حقیقت و واقعیت در تعارض و تنافی است و مصداق ایراد مطالب واقع و جعلی علیه یکی از قوای کشور است، فلذا مستدعی است وقف مفاد مؤکد آیین‌نامه داخلی مجلس، تمهیدات مقتضی جهت قرائت دفاعیه و اصلاحیه فراهم شود.

شایان ذکر است که نتیجه بررسی‌ها، نشان می‌دهد ادعای حجت‌الاسلام رسایی در مورد انتصاب مجدد دادستان دستگیر شده، مقرون به صحت و صواب نیست و از اساس کذب است.

فردی که مدنظر مشارالیه است، در تیرماه سال ۱۴۰۲ در یکی از شهرهای شمالی کشور، در راستای تأکیدات رئیس قوه قضائیه ناظر بر شدت عمل در مقابله با فساد درون قوای، در چارچوب ضوابط و با شناسایی حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، بازداشت شد و مورد برخورد قانونی قرار گرفت و نهایتاً، از دستگاه قضایی منفک شد. ایضاً نامبرده اکنون فاقد هر گونه سمت قضایی و غیرقضایی در عدلیه است.

ایران

غرب و ایران مستقل مقتدر

«انسان، گرگ انسان است» جمله‌ای است که با کمی تغییر از متون غربی پیش از میلاد مسیح به دست آمده است. همین جمله را بعدها فیلسوفان غربی، بر اساس وضعیت جامعه خودشان، تئوریزه کردند تا امنیت را محصول ترس از قدرت بنامند. در دوره استعمار کهن، همین ذهنیت ضد انسانی، نیاز ادراستی سفیدپوستانه در آمیخت و تمدن غربی را به بزرگ‌ترین غارتگر تاریخ بدل کرد. «صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۴۲ خود نوشته است: بعدها امریکا با انداختن بمب اتم روی هیروشیما و ناژاکاکی، بیش از ۲۰۰ هزار انسان را کشت؛ نه‌برای پیروزی نظامی بلکه برای نمایش قدرت به جهان. این عمل به همان جمله «گرگ انسان» بود که باید چنان قدرتی نشان داد که دیگران از ترس، تسلیم شوند.

در واقع، بمب اتم «قرارداد اجتماعی» را جهانی کرد؛ مردم جهان باید از ترس نابودی، زیر نظم امریکازدنگی کنند. بعد از جنگ جهانی دوم، استعمار مستقیم منسوخ شد، اما همان منطق باقی ماند: قدرت باید در دست ما بماند تا آرامش برقرار باشد.

جنگ سرد و کودتاهای امریکایی در آسیا و امریکای لاتین هم بر پایه همین «مقابله با بی‌نظمی» توجیه شد. کشور ما هم بی‌نصب نبود: کودتای ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق با بهانه و پوشش «جولوگیری از سقوط ایران به کمونیسم». غرب امروز هم شکل جدیدی از همان گزاره‌های پیش از قرون وسطای غربی را اجرا می‌کند. «صلح از طریق قدرت» یعنی هر کس از نظم مطلوب ما خارج شود، تهدید است. فقط ابزارها متنوع‌تر شده است: رسانه، تحریم، جنگ، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی. غربی‌ها هنوز معتقدند ملتی که کنترل نشود، خطرناک است؛ پس باید با فشار و اطلاعات مهار شود و اگر نشد، با جنگ. آخرین نمونه روشن منطق بی‌منطق غرب، جنگ ۱۲ روزه بود. ننگی بالاتر از این هست که رئیس‌جمهور کشوری علناً می‌گوید: من به ملت ایران انگلی زددم؛ در حین مذاکره با آنها جنگ کردم و اعتراف می‌کند که «من در رأس حمله ۲۳‌خرداد اسرائیل به ایران بودم؛ کنترل کامل داشتم». صدراعظم آلمان هم قبل از او از متجاوزان به ایران برای حملات هوایی به کشورمان تشکر می‌کند و می‌گوید: «این بخشی سخت و کنیف کار را به جای همه ما غربی‌ها انجام دادند.»

آمار بانک جهانی نشان می‌دهد که در نیم‌قرن گذشته، بیش از ۷۰ درصد جنگ‌های بین‌المللی با مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های غربی به‌دولت امریکا آغاز شده است. در دهه اخیر نیز نیمی از مخارج نظامی جهان تنها به امریکا و متحدانش تعلق داشته است. توصیف صلح غربی در یک جمله صلحی است که کسی که در رأس این هرم قدرت است، با غسوری ابلهانه می‌گوید آن قدر سلاح هسته‌ای در اختیار دارد که می‌تواند «جهان را ۱۵۰ بار نابود کند».

اما در برابر این تمدن وحشی، ایرانی است که در طول تاریخ، هرگز استیلاپذیر نبوده است. در دوره ساسانی، قدرت سیاسی با پشتوانه دینی چنان ریشه داشت که امپراتوری بیزانس، ایران را همسنگ خود می‌شمرد. در صفویه، علم و ایمان در کنار هم ایستادند و حکومتی ساختند که با اروپا نه در جنگ، بلکه در موازنه بود. انقلاب اسلامی این تجربه تاریخی را هر روز کرد؛ علم بدون وابستگی و قدرت بدون سلطه و اتکالی هر دو به‌منوینت.

در چهار دهه گذشته، رابطه ایران با غرب بر همین معادله استوار ماند؛ تعامل در علم و فناوری، اما استقلال و مقاومت در سیاست و امنیت. وقتی امریکا از اقتصاد، فرهنگ و در نهایت از جنگ برای سلطه بر ایران تلاش کرد، پاسخ این ملت، مقاومت بود؛ همان مقاومت مقتدرانه‌ای که در جنگ ۱۲ روزه، منطق جنگی غرب را به چالش کشید. فرمول صلح تحمیلی امریکایی روی ایرانی‌ها جواب نمی‌دهد؛ نمی‌توانند در اراده ملت ایران خدشه کنند. موضوع ایران مستقل مقتدر همان است که دبیر عالی شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۹ آبان ۱۴۰۴ بیان کرد: ایران، استقلال خود را در معرض فروش قرار نمی‌دهد، حتی اگر به قیمت رویارویی تمام شود، با قدرت، جلوی وحشی‌گری مدرن می‌ایستد.